

دراسة في فقه مقاصد الشريعة (کتاب)

نویسنده: محمد قاسم مبارز

چکیده

دراسة في فقه مقاصد الشريعة: بين المقاصد الكلية و النصوص الجزئية، عنوان کتابی است عربی به قلم دکتر یوسف القرضاوی. کتاب سه بخش اصلی دارد و پس از معرفی مقاصد شرع و ویژگی‌های آن، سه مکتب فقهی را با رویکرد ایشان به مقاصد الشريعة معرفی کرده و سپس مواردی از کاربردهای مقاصد را در فتاوی فقهاء گزارش کرده است.

قرضاوی سه جریان ظاهریه جدید، معطله جدید و مدرسة الوسطیه یا مکتب میانه را معرفی کرده و خود را متعلق به مکتب میانه می‌داند که معتقد به هماهنگی مقاصد با احکام است و پیش از صدور فتوا تلاش می‌کند مقصد حکم را بفهمد و حکم را متناسب با مقصد شرع صادر کند. بخش‌هایی از کتاب نیز به نقد دو مکتب رقیب پرداخته و پیامدهای غیرقابل پذیرش فتاوی این دو مکتب را گزارش کرده است.

به باور قرضاوی مقاصد شریعت را از طریق بررسی نصوص و نیز استقراء احکام می‌توان کشف کرد. او نتیجه گرفته است که مقاصد شریعت محدود به پنج مقصد معروف نیست و خود مقاصد جدیدی را استنباط کرده است. او ارث بردن مسلمان از کافر، جواز پیوند اعضا، جواز سفر زن به تنهایی، استفاده از علم جدید به جای رؤیت هلال را نمونه‌هایی از فتاوی فقیهان مقاصدی می‌داند.

ساختار و موضوعات کتاب

کتاب «دراسة في فقه مقاصد الشريعة: بين المقاصد الكلية و النصوص الجزئية» حاصل مطالعات و سخنرانی‌های شیخ یوسف القرضاوی مفتی اهل سنت است که برای اجلاس «مقاصد الشريعة» لندن در سال ۲۰۰۴م ارائه کرده و در سال ۲۰۰۶م توسط دارالشروق قاهره چاپ و منتشر شد. این کتاب با نام «پژوهشی در باب مقاصد شریعت (کندوکاوی میان مقاصد کلی و نصوص جزئی)» توسط سید رضا اسعدی و محمدآزاد شافعی به زبان فارسی ترجمه و توسط نشر احسان منتشر شده است.

کتاب از یک مقدمه، سه بخش و یک ضمیمه تشکیل شده است. مقدمه به مفهوم مقاصد شریعت، اهمیت آن در فقه اسلامی معاصر و معرفی مقاصد شریعت پرداخته است.

بخش دوم کتاب با عنوان رویکرد جریان‌های فقهی به مقاصد شریعت، مهم‌ترین و مفصل‌ترین قسمت کتاب را تشکیل می‌دهد. نویسنده در این بخش به بررسی مکاتب فقهی، ویژگی‌ها و رویکردهای این مکاتب نسبت به مقاصد شریعت پرداخته است. قرضاوی در این بخش سه جریان یا مکتب فقهی (مکتب ظاهرگرایان جدید، نوگرایان جدید و مکتب میانه) را بررسی کرده است.

نویسنده در بخش سوم تحت عنوان «ملحقات» به بررسی کاربردها و تطبیق مقاصد در فتاوی فقهای معاصر از جمله فتاوی شخص مؤلف، در موضوعات چالشی اهتمام نموده است.

کتاب دراسة فی فقه مقاصد الشریعه نظم و ترتیب مناسبی دارد؛ البته بیشتر یک گزارش کلی و سطحی از موضوع مقاصد الشریعه است. قرضای ملاک و معیار مشخصی برای مقاصد شرع بیان نکرده است؛ لذا در برخی موارد مثل عملکرد عمر در برابر آیه قطع دست سارق گرفتار توجیه شده است. او همچنین در مورد اینکه آیا با هر احتمال و توجیهی می‌توان نص را کنار گذاشت و این‌که معیار تشخیص مقاصد واقعی شرع از توجیهات چیست؟ ساکت است.

معرفی و اهمیت مقاصد الشریعه
قرضای مدعی است از زمان‌های دور به مقاصد شریعت و جایگاه آن در عقلانیت فقه باور داشته است. به گفته او، کسی که به خدای حکیم ایمان داشته باشد، نمی‌تواند به مقاصد و اهداف شریعت و مصالح و مفاسد احکام باورمند نباشد. او تدبیر در تعلیل‌های قرآن، استقراء در اهداف احکام و اهتمام بیشتر دانشمندان اسلامی بر مقاصد را مؤید ایمانش به مقاصد شرع معرفی کرده است (ص ۱۱-۱۳).

مؤلفه‌ها و مبانی مقاصد شریعت
قرضای مدعی است، فقه المقاصد حاوی مؤلفه‌ها و مبانی فقهی زیادی است. توجه به فقه السنن (سنت‌های الهی در عالم و جامعه)، فقه المآلات (توجه به آثار و نتایجی که بر احکام جزئی مترتب می‌گردد)، فقه الموازنات (رعایت تناسب و موازنه میان حسنات و سیئات، مصالح و مفاسد و... در صورت تعارض)، فقه الاولویات (وضع هر حکم در جای مناسب خود) و فقه الخلاف (قواعد و ضوابطی که در موارد اختلاف آراء باید رعایت شود) و... از جمله این مؤلفه‌ها است. قرضای مدعی است این مبانی و مؤلفه‌ها را در استنباط‌های فقه جدید مورد توجه قرار داده و رعایت آن‌ها در حل مسائل معاصر ضروری و راهگشا است (ص ۱۴-۱۵).

مفاهیم اصلی
قرضای در بخش اول کتاب مفاهیم اصلی و پرکاربرد کتاب را توضیح می‌دهد. منظور او از شریعت در این کتاب تمام دین اعم از عقاید، اخلاق و احکام است نه فقط بخش عملی دین (ص ۱۶) و منظور از مقاصد، حکمت‌ها، اهداف و غایاتی است وراء احکام جزئی که برخی آشکار و قابل‌درک با عقل است و برخی هم غیرقابل فهم.

قرضای همچنین توضیح می‌دهد که علت و مقصد حکم با هم متفاوت هستند. به باور وی، هرگاه علت حکم موجود باشد، حکم را هم در پی دارد؛ اما این وابستگی و تلازم میان حکم و مقاصد ضرورت ندارد. مثلاً در نماز و روزه قصری، علت آن سفر است و غایت و مقصد آن رفع رنج و مشقت. با تحقق سفر، حکم قصر هم به دنبال آن می‌آید؛ اگرچه مشقت هم نداشته باشد. به باور قرضای، برخی عالمان در فتاوی خویش به این تفکیک توجه نکرده و میان مقاصد و علت حکم خلط کرده‌اند. مثلاً در صیام ماه رمضان، مریضی علت افطار است

و رفع مشقت مقصد آن. اما در برخی فتاوا، صرف مرض ملاک افطار نیست؛ بلکه مریضی دارای مشقت، موجب افطار معرفی شده است (ص ۲۰-۲۱).

راه‌های دستیابی مقاصد

قرضاوی در توضیح راه‌های دستیابی به مقاصد شریعت توضیح می‌دهد که قدیمی‌ترین راه همان است که ابو حامد غزالی در کتاب «المستصفی» پیشنهاد کرده است. یعنی شناخت مقاصد از طریق تقسیم احکام به ضروریات (حفظ نفس و نسل)، حاجّیات (امنیت و...) و تحسینات (مسائل اخلاقی و...). اما قرضاوی خود دو راه را عمده‌ترین روش دستیابی مقاصد شریعت معرفی کرده است: (۱) دقت و تعمق در تعلیلات (تعلیل‌ها) آیات مثل «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»، (۲) استقراء و بررسی احکام جزئی برای رسیدن به مقاصد و اهداف کلی شرع (ص ۲۴).

تنوع مقاصد

مهم‌ترین دسته‌بندی مقاصد، اصول پنج‌گانه‌ای است که برگرفته از مجازات حدود و بر مبنای دسته‌بندی غزالی، تحت عنوان «مقاصد یا ضروریات خمس» معروف شده است. مقاصد ضروری در این دسته‌بندی عبارت است از: ضرورت حفظ دین، حفظ نفس، حفظ نسل، حفظ عقل و حفظ مال؛ اما به باور قرضاوی مقاصد شرع به این پنج اصل محدود نیست، چنانکه برخی قدما مثل القرافی، حفظ عرض را نیز بدان افزوده است (ص ۲۷) و قرضاوی خود، در کنار مقاصد مذکور، برخی مسائل اجتماعی مثل آزادی، برابری، برادری، تکافل و همکاری و حقوق بشر را نیز جزء مقاصد ضروری معرفی کرده است (ص ۲۷-۲۸).

قرضاوی معتقد است می‌توان تقسیمات و شیوه‌های دیگری را به کاربرد که مقاصد شرعی بیشتری را نتیجه دهد. مثلاً رشید رضا در کتاب «الوحی المحمدی» موضوعات پیشنهادی قرآن برای اصلاح امت را معیار قرار داده و بر اساس این معیار، ۱۰ مقصد برای اصلاح جامعه بشری معرفی کرده است. یا خود قرضاوی در کتاب «کیف تتعامل مع القرآن الکریم» هفت مقصد (تصحیح عقاید، تثبیت کرامت انسانی، دعوت به عبادت و تقوا، تزکیه نفس و تقویم اخلاق، تشکیل خانواده صالح، بناء امت شهیده طبق آیه ۱۴۳ بقره «لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» و دعوت به جامعه همکار) و در کتاب «مدخل لمعرفة الاسلام» مقاصد اساسی را ساختن پنج بناء اساسی (بناء انسان صالح، خانواده صالح، جامعه صالح، امت صالح و دعوت به خیر) معرفی کرده است (ص ۲۵-۲۷).

جایگاه مقاصد در مدرسه ظاهریه جدید

ظاهریه جدید عنوان یکی از مکاتب سه‌گانه‌ای که قرضاوی در ارتباط با مقاصد الشریعه از آن نام می‌برد. نام‌گذاری این مکتب به ظاهریه جدید از باب این است که این جریان دنباله‌رو مکتب ظاهریه قدیم است و همچون ابن‌حزم ظاهری، بر ظواهر الفاظ جمود دارد و از مقصد و سخن گفتن وراء ظواهر گریزانند. قرضاوی در ادامه ویژگی‌های این مکتب، اندیشه‌های محوری و پیامدهای آن را بررسی کرده است.

شاخصه‌های مکتب ظاهریه جدید: (۱) در فهم نصوص حرفی و لفظ‌گرا هستند. فقط ظاهر را می‌گیرند و از وراء نص و مقاصد آن بی‌خبرند. (۲) در احکام و مسائل دینی به تشدید و سخت‌گیری تمایل دارند و همانند خوارج اهل احتیاط و تعبد هستند اما از ریختن خون و

تکفیر مسلمانان ابایی ندارند. ۳) جزم‌گرا هستند. اندیشه خود را صواب محض و دیدگاه دیگران را بدون هیچ احتمالی، خطای حتمی قلمداد می‌کنند. ۴) در برابر مخالفین فکری خویش هیچ انعطافی ندارند و تا سرحد اتهام، تکفیر و قتال پیش می‌روند. ۵) نسبت به فتنه‌های مذهبی و دینی بی‌توجه هستند لذا دائم شیعه و دیگر مذاهب را تکفیر می‌کنند. ۶) به تحولات و شرایط زمان توجه ندارند و از قالب گذشته نمی‌توانند فراتر بیندیشند (ص ۵۱-۶۴).

پیامدهای تفکر ظاهریه جدید در فتاوای فقهی

قرضاوی، نتایج و پیامدهای اندیشه ظاهریه جدید را چنین بر می‌شمرد: ۱) طبق نظر این مکتب پول‌های کاغذی، پول اسلامی نخواهد بود. در نتیجه ربا و زکات و... در آن ثابت نمی‌گردد. ۲) زکات به بسیاری از اموال تجاری -علی‌رغم کثرت و اهمیت این اموال در فقرزدایی- تعلق نگیرد. ۳) زکات فطره باید از عین طعام پرداخت گردد نه قیمت آن. در حالیکه به باور قرضاوی این مسئله با روح و حکمت و مقصد زکات فطره که رفع نیاز فقراء است، منافات دارد؛ او می‌گوید: فرض کنید جمعیت چهارده‌میلیونی قاهره همگی زکاتشان را خرما دهند چه بحرانی به وجود می‌آید؟! ۴) حرمت تلویزیون و فتوگرافی؛ زیرا این تصاویر را همانندسازی خلق خدا و حرام می‌دانند. اما به باور قرضاوی این تصاویر صرفاً انعکاس نور است (ص ۶۷-۷۷).

قرضاوی در تمام این موارد، به مقاصد و استدلال‌های عقلی استناد کرده است و معتقد است قوام شرع بر علل و تحقق مصالح عباد استوار است و شیوه صحابه در احکام نیز همین بود. او پرداخت دیه عاقله از دیوان توسط عمر بن خطاب و دریافت قیمت لباس و منسوجات اهل یمن به‌جای جنس زکاتی توسط معاذ ابن جبل را مبتنی بر دیدگاه مقاصدگرایانه آنان می‌داند (ص ۷۲-۸۲).

جایگاه مقاصد در مدرسه معطله جدید

قرضاوی یکی از مکاتب جدید فقهی اهل سنت را مکتب معطله جدید می‌داند که در حقیقت نوگرایان طرفدار اندیشه غرب هستند. به باور قرضاوی، این جریان دنباله‌رو معطله قدیم هستند که قائل به تعطیل و عدم فهم اسماء و صفات الهی بودند. به‌گفته قرضاوی، معطله جدید نیز نصوص جزئی قرآن و حدیث را کنار گذاشته فقط دنبال گوهر و مقاصد و روح دین هستند. اگر معطله قدیم در قسمت عقاید قائل به تعطیل بودند، معطله جدید در قسمت شرع، نصوص را تعطیل کرده و تحت لواء مقاصد، خواهان تعطیلی فقه هستند. قرضاوی سه شاخصه برای این جریان شمرده است؛ ۱) جهل به شریعت و مبادی معرفتی متون دینی مثل علوم قرآن، حدیث، فقه، اصول، ادبیات و... ۲) جرئت سخن گفتن و نقد شرع بدون علم و آگاهی، و ۳) تبعیت از اندیشه‌های غرب.

رویکرد مکتب معطله به دین و مقاصد

به گزارش قرضاوی معطله جدید دو شعار اصلی دارند که عبارت است از: برتر دانستن منطق عقل بر منطق وحی، و ادعای پیروی از عمر بن خطاب زیرا او نصوص را تعطیل نموده مصلحت را بر نص ترجیح داده است. قرضاوی در نقد این اندیشه، ضمن اینکه خطاهای مکاتب عقل‌گرا را یادآور شده است، میان منطق عقل و وحی تعارض نمی‌بیند. قرضاوی همچنین با ارجاع به کتاب خویش «السیاسة الشرعیة فی ضوء النصوص والمقاصد» و سخنان برخی عالمان

اهل سنت، به شدت ادعای تعطیلی نصوص توسط عمر ابن الخطاب را نقد و رد کرده است (ص ۱۰۰-۱۱۰). قرضای معتقد است فرار از نصوص قطعی و چنگ زدن به ظنون و شبهات، و نیز معارضه با مسلمات شریعت به بهانه پیروی از مقاصد و مصالح، از پیامدهای این رویکرد است (۱۱۹-۱۲۵).

جایگاه مقاصد در مکتب میانه
جریان دیگری که قرضای برای فقه اهل سنت در دوران جدید می‌شمرد مکتب میانه یا «المدرسة الوسطية» است که خود را نیز جزو این جریان تعریف کرده و بر این باور است که این مکتب توان حل بسیاری از مشکلات فقهی را دارد. به ادعای قرضای، این مکتب نه مثل جریان ظاهرگرا مقاصد را کنار می‌گذارد و نه مثل جریان معطله، نصوص را تعطیل می‌کند. بلکه میان نصوص جزئی و مقاصد کلی جمع می‌کند و نصوص را در پرتو مقاصد کلی فهم می‌کند؛ زیرا خداوند احکام شرعی را باهدف تحقق مصالح جعل کرده است. و اگر بین مصالح واقعی و نصوص غیرقطعی تعارضی باشد، باید نص را طبق مصلحت به تأویل برد (ص ۱۴۱).

قرضای شاخصه‌های این مکتب را چنین بیان کرده است:

ایمان به حکمت و برتری شرع و قابل فهم بودن مصالح در غیر تعبدیات؛
اعتقاد به ارتباط احکام جزئی به یکدیگر؛
نگاه متوازن نسبت به امور دین و دنیا؛
تطبیق نصوص بر وقایع زندگی و مسائل معاصر؛
جستجوی راه و روش آسان شرع برای مردم؛
استقبال از گفت‌وگو و تسامح (۱۵۲-۱۴۷).
تناسب حکم و مقصد حکم

جریان الوسطیه معتقد است بین حکم و مقصد حکم تناسب وجود دارد و به همین جهت سعی می‌کند قبل از صدور حکم، مقصد نص را بیابد. از باب نمونه، حکم ریش گذاشتن از سه طریق روایت شده و در همه این روایات، دلیل آن، مخالفت با اهل کتاب معرفی شده است. یعنی مسلمان باید شخصیت و هویت مستقل داشته باشد. قرضای با بررسی روایات در قالب مقاصد سه‌گانه شرع (ضروریات، حاجیات و تحسینات) نتیجه می‌گیرد روایات مذکور جزء کمالات و تحسینات هستند نه حکم تأسیسی و ضروری. و حکم مناسب تحسینات، استحباب است نه وجوب. لذا هرگاه فرد در موقعیتی قرار گیرد که ریش برای او کمال محسوب نمی‌شود بلکه تحقیر می‌شود، می‌تواند ریش نگذارد (۱۶۰-۱۵۵).

فهم نصوص در پرتو شرایط صدور نص
قرضای و مکتب فقهی‌اش معتقدند نصوص را باید در پرتوی شأن نزول و اسباب و شرایط فهم گردد. قرضای بر این باور است که سنت بیش از قرآن در معرض سوءفهم قرار دارد. لذا عام و خاص، دائم و موقت، کلی و جزئی و مقاصد آن را در بستر شرایط صدور و زمانه باید فهم کرد.

به عنوان نمونه آنچه امروزه دو نصاب با ارزش‌های متفاوت برای زکات نقره و طلا ذکر می‌شود، به باور قرضای در عصر پیامبر یک نصاب بیشتر نبود. یعنی دویست درهم و بیست دینار در

عصر پیامبر از ارزش مساوی برخوردار بود. حال با توجه به اینکه زکات، عبادت صرف نیست بلکه جنبه مالی هم دارد، به باور قرضاوی می‌توان در آن اجتهاد کرد و به نصاب واحد برگرداند. یا در روایت ابن عباس آمده «لاتسافر المرأة الا مع ذي المحرم» طبق شرایط عصر صدور این نقل، خوف و ترس، دلیل لزوم همراه است. اما در عصر حاضر که مسافرت با ماشین و هواپیما صورت می‌گیرد، دیگر خوف و هراسی وجود ندارد. یا حکم رؤیت هلال به خاطر تکمیل روزه ماه رمضان است. حال اگر این ۳۰ روز از طریق علمی ثابت گردد، حکم رؤیت منتفی خواهد شد. او معتقد است به فرض رؤیت را معیار جدی بدانیم، حداقل جهت رفع اختلافات می‌توان از شیوه علمی و محاسبات نجومی در جهت نفی تولد هلال و عدم امکان رؤیت استفاده کرد؛ زیرا محاسبات نجومی قطعی و خبر رؤیت ظنی است (ص ۱۸۰ و ۱۸۸).

قرضاوی موارد فراوانی را بر اساس همین تفاوت شرایط و شأن نزول توجیه می‌کند. از جمله کتابت احادیث توسط صحابه علی‌رغم نهی پیامبر از آن، سکونت مسلمان در بلاد کفار، نفی قریشی‌بودن امام، فتوای عثمان بر عدم جواز طلاق فارّ (طلاق به خاطر فرار از میراث) و تفاوت عملکرد عمر در مورد سواد عراق و... (ص ۱۶۴-۱۶۸)

تفکیک بین مقاصد ثابت و وسایل متغیر

تفکیک میان مقاصد ثابت و وسایل متغیر نیز از ویژگی‌های فکری قرضاوی است. از باب نمونه شورا و مشورت در اسلام امری ثابت است اما نحوه انتخاب شورا و مشورت بر اساس تحولات زمان و مکان متغیر است. همچنین اصل در امر به معروف و نهی از منکر نیز ثابت است؛ اما شیوه آن بر اساس شرایط متفاوت است. همچنین وسایل اکثراً در معرض تحول است، از جمله وسیله رؤیت هلال (ص ۱۷۴-۱۷۹).

سازگاری بین ثابت و متغیر در شریعت

جریان الوسطیة به سازگاری میان ثوابت شرع و احکام متغیر آن باور دارد. در حالیکه به ادعای قرضاوی مدرسه معطله به‌جز عقاید، همه ثوابت را متحول معرفی می‌کنند و مکتب ظاهریه دایره ثوابت را توسعه داده متغیرات را ثوابت می‌پندارند و با هر نوع اجتهاد و عصری‌سازی مخالف هستند. به باور وی، ثوابت محدود، مهم، شاخص امت اسلامی و غیرقابل اجتهاد و تجدیدنظر هستند. او عقاید، ارکان عملی دین، امهات فضائل اخلاقی، و امهات احکام قطعی را جزء ثوابت معرفی می‌کند و بقیه احکام جزئی ظنی الثبوت و ظنی الدلالة را احکام متغیر و قابل اجتهاد و تحول می‌داند (ص ۱۹۷-۱۹۸).

تفکیک بین عبادات، عادات و معاملات

قرضاوی یکی از ویژگی‌های مدرسه میانه را تفکیک بین احکام عبادی و غیرعبادی معرفی می‌کند. چون اصل در عبادات تعبد و التزام به نص است و در این نوع از احکام به مقاصد و حکمت توجه نمی‌شود؛ اما در باب معاملات و عادات، معیار اصلی، مقاصد و حکمت است. او این تفکیک را بر اساس قواعد و سخنان شاطبی ترسیم کرده است. شاطبی مدعی است استقرار در احکام عبادی و غیرعبادی بیانگر آن است که در احکام اجتماعی و معاملات بناء شریعت بر توسعه و درک مقاصد است، اما در احکام عبادی بناء بر انقیاد اوامر الهی و خضوع و تقرب است (ص ۲۰۰-۲۰۶). البته قرضاوی معتقد است زکات فقط عبادت و حق خداوند نیست، بلکه یک نوع نظام مالی و حق بشر هم است لذا رعایت مقاصد در آن مقدم است (ص ۲۱۰-۲۱۱).

کاربردهای مقاصد شریعت
قرضاوی در بخش ملحقات کتاب خود دراسة فی فقه المقاصد الشریعة، ده فتوا به عنوان نمونه‌هایی از فتاوی مکتب میانه را نقل کرده است که در آنها نصوص ذیل مقاصد کلی تبیین شده است.

معیار اسلامی بودن حکومت در فتاوی رشید رضا
به گفته قرضاوی فتاوی رشید رضا در مورد معیار اسلامی بودن حکومت از نتایج تفکر المدرسة الوسطیة است؛ به باور وی، طبق آیه ارجاع به اولی الامر یعنی آیه ۸۳ سوره نساء و آیه شوری مهم‌ترین معیار حکومت دینی رعایت مقاصد، مشورت و اجتهاد بر اساس عدالت، دفع ضرر، جلب منفعت، و رعایت مصالح و مفاسد در هر عصر است و این معیار در هر حکومتی رعایت شود، موافق دین خواهد بود. لذا حکومت مطلقه و استبدادی که احکامش فراتر از قانون و شرع و آلوده به هوس است، از سوی هر مکتبی باشد، از نظر دینی حرام است. اما حکومت مشروطه که تابع قانون است، مصالح و مفاسد و مشورت در آن اعمال می‌شود، از سوی هر جریانی باشد، موافق دین است؛ زیرا دین بخشی از قوانین دنیوی در هر عصر را به اهل شورا واگذار کرده است (ص ۲۲۱-۲۲۶).

پیوند اعضا
قرضاوی فتاوی شیخ عبدالرحمن سعدی نجدی در مورد پیوند اعضا را نیز از نتایج فقه مقاصدی و اندیشه‌های مکتب میانه معرفی می‌کند. مقاصدگرایان میانه‌رو معتقدند بر اساس یک اصل مهم‌تر که بر تمام شرع حاکم است، عمل پیوند اعضا نه تنها اشکال ندارد؛ بلکه مستحب هم است. آن اصل این است که بر اساس مفهوم آیه ۲۰۹ سوره بقره، «قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» هرگاه مصالح و منافع و مضرات باهم تعارض کرد، هر کدام رجحان داشت مقدم می‌شود. حال این اصل را اگر حاکم و مسیطر بر اصول و قواعد شرعی بدانیم، بیشتر مواردی که در گذشته، حرام پنداشته می‌شد، مباح خواهد شد. جواز مثله و پاره کردن شکم مادر میت به خاطر بیرون آوردن فرزند زنده‌اش، قطع عضوی از بدن که خطر ندارد برای پیوند و سیلامتی کسی که در خطر است، کندن دندان هنگام درد و... از جمله این موارد است. ثانیاً، به نظر این جریان، حرمت قطع عضو یا مثله زمانی قابل تصور بود که این کار به اتلاف بدن و خطر او منجر می‌شد. اما امروزه با پیشرفت صنعت پزشکی در عمل جراحی، دیگر چنین چیزی منتفی است (ص ۲۲۳-۲۲۹).

فتاوی قرضاوی در مورد توارث مسلمان و غیرمسلمان
قرضاوی، با استناد به حدیث «لایرث المسلم الکافر و لا الکافر المسلم»، نظر خلفا، مذاهب چهارگانه و مشهور فقهای اهل سنت را عدم توارث کافر و مسلمان معرفی کرده است. در مقابل این نظر، قرضاوی احادیث و دیدگاه تعداد از اصحاب و تابعین از جمله ائمه اهل بیت را نقل می‌کند که طبق آن، کافر از مسلمان ارث نمی‌برد؛ ولی مسلمان از کافر ارث می‌برد. قرضاوی علی‌رغم نظر جمهور اهل سنت، نظر دوم را ترجیح می‌دهد و آن را با اهداف شرع که دنبال منفعت مسلمان، نصرت دین، ترغیب کفار به سوی اسلام و مصرف مال در راه اطاعت الهی است سازگارتر می‌داند. او حدیث عدم توارث را بر کافر حربی حمل می‌کند و معتقد است آنچه میان مسلمان و غیرمسلمان مانع ارث است نه کفر، بلکه حرب است. لذا مسلمان از مرتد و کافر ذمی و غیرحربی ارث می‌برد و آنچه موجب توارث می‌گردد نه

ایمان قلبی بلکه نصرت و همکاری ظاهری با اسلام است. لذا بین مؤمن واقعی و منافق
زندیق با اینکه قلباً ایمان ندارد؛ ولی به خاطر نصرت ظاهری اسلام، توارث برقرار است
(ص ۲۷۸-۲۸۱).

